

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض کردیم که فصل دوم از کتاب صوم عروۀ مربوط به بیان مفطرات یعنی چیزهایی که روزه را باطل می کند می باشد ، الاول و الثانی : الأکل و الشرب : در اکل و شرب چند مطلب را صاحب عروۀ بیان کردند اول اینکه فرقی نمی کند که مأكول و مشروب معتاد (متعارف) باشند یا غیر معتاد ، مطلب دوم اینکه فرقی بین قلیل و کثیر نیست یعنی مأكول و مشروب چه قلیل باشد و چه کثیر روزه را باطل می کند و بعد ایشان دو مثال زده اند اول اینکه اگر کسی مشغول خیاطی بود و نخ را برای سوزن مرطوب کرد و از دهان بیرون آورد و دوباره به دهان برگرداند آن مقدار از رطوبت که در آن نخ است با آب دهان مخلوط می شود و مبطل روزه می باشد ، و دوم اینکه اگر شخصی مسواک را که در آن رطوبتی وجود دارد از دهان بیرون آورد و دوباره از خارج به دهانش برگرداند و آن رطوبت قلیل که در مسواک بود را قورت داد روزه اش باطل می شود مگر اینکه این رطوبت ها به قدری کم باشند که مستهلک باشند .

دیروز عرض کردیم که در اکل و شرب سه بحث وجود دارد اولین بحث را که ایشان ندارند ولی بعضی از شراح عروۀ دارند درباره اکل است و دوم درباره مأكول و مشروب می باشد ، در اولی که اکل و شرب به معنای مصدری است فرقی نیست که از راه دهان بخورد یا از راه بینی بخورد یعنی کیفیت اکل به هر طریقی باشد از دهان یا غیر دهان فرقی نمی کند ولی باید از راه حلق وارد معده بشود تا به آن اکل یا شرب بگویند فلذا آمپول و غیره را که برای تقویت می زنند بعداً درباره اش بحث می کنیم و فعلاً بحث در اکل و شرب می باشد ، عرفاً و لغتاً اکل و شرب در جایی است که انسان غذا را از راه دهان و حتی از راه بینی داخل به حلق و از حلق داخل به معده داخل کند و ملاک و معیار همین است که از راه حلق وارد معده شود فلذا اگر کسی شراب را از راه بینی بخورد می گویند که مرتکب حرام شده و خمر خورده پس معلوم می شود که در خوردن و آشامیدن خوردن از راه لب و دهان خصوصیت ندارد بلکه آن چیزی که در اینجا معیار است آن است که از راه حلق وارد معده بشود ، این مطلب را عروۀ متعرض نشده و ظاهراً بحثی ندارد ، آیت الله خوئی در مستند از قول ایروانی نقل می کند که

اگر از راه بینی باشد مبطل صوم نیست ولی ظاهراً این حرف دوست نیست و هر کس هم که گفته باشد حرفش دلیل ندارد .

بحث دوم که در اکل و شرب مطرح است مربوط به مأكول و مشروب می باشد و آن این است که فرقی نمی کند که مأكول و مشروب از خوردنیهای متعارف و معمولی باشند مثل آب و نان و غیره و یا اینکه از خوردنیهای غیر معمولی باشند مثل خاک و غیره ، خوب دلیل این

مطلب اولاً اطلاعات ادله می باشد مثلاً خداوند متعال در آیه ۱۸۷ از سوره بقره فرموده اند : « کَلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ وَ أَتَمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ » در آیه فقط اکل و شرب را ذکر کرده و متعلق این دو را ذکر نکرده و عدم ذکر متعلق دلیل بر عمومیت است فلذا هر چیزی که مأكول و مشروب قرار بگیرد روزه را باطل می کند ، در بعضی از روایات دیگر اکل و شرب ذکر شده و وقتی ما این دو دسته از روایات را در کنار هم قرار می دهیم معلوم می شود که طعام و شراب متعارف میزان نیست و اگر کسی بگوید این لفظ مطلق است و منصرف در متعارف است می گوئیم نه این طور نیست چون در بعضی از روایات لفظ اکل و شرب آمده ، در باب اول و دوم از ابواب ما میسک عنه الصائم که از ص ۱۸ جلد ۷ و سائل ۲۰ جلدی شروع می شود این اخبار ذکر شده ، حالا یک خبر را از ابواب اول از ابواب مایسک عنه الصائم می خوانیم ، خبر اول از باب اول که در ص ۱۸ از جلد ۷ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده است این است : « محمد بن الحسن باسناده عن الحسين بن سعيد ، و باسناده عن محمد بن علی ابن محبوب ، عن يعقوب بن يزيد ، و باسناده عن علی بن مهزيار جميعاً عن ابن أبي عمير عن حماد بن عثمان ، عن محمد بن مسلم قال : سمعت أبا جعفر (ع) يقول : لا يضر الصائم ما صنع إذا اجتنب ثلاث خصال : الطعام و الشراب ، والنساء و الارتماس في الماء » این روایت را شیخ طوسی از سه کتاب گرفته که بعداً تمام آنها به هم پیوند می خورند ، همانطور که ملاحظه می کنید در این روایت لفظ طعام و شراب ذکر شده که در اینجا می شود ادعا کرد که منصرف به خوردنی های معمولی می باشد ، خبر دوم از همین باب هم مضمونش همین است . اما در باب دوم از ابواب ما میسک عنه الصائم تعبیر دیگری آمده ، خبر ۶ از باب دوم که در ص ۲۱ از جلد ۷ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده است این خبر است : « و فی الخصال عن محمد بن الحسن ، عن الصفار ، عن أحمد بن أبي عبدالله عن أبيه باسناده رفعه إلى أبي عبدالله (ع) خمسة

گفته است که باید بالاخره به نحوی آن را توجیه کنیم ، این خبر ، خبر دوم از باب ۳۹ از ابواب ما یمسک عنه الصائم می باشد که در ص ۷۷ از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی واقع شده است ، خبر این است : « وعنه ، عن هارون بن مسلم ، عن مسعدة بن صدقة عن أبي عبدالله (ع) عن آبائه عليهم السلام إن عليا (ع) سئل عن الذباب يدخل في حلق الصائم ، قال ليس عليه قضاء لانه ليس بطعام » عنه که می گوید مراد معلقات کافی می باشد که گاهی این معلقات پیچیده می باشد ، رسم کافی به این صورت است که از خودش شروع می کند و تمام وسائط را تا امام ذکر می کند که خوب این بسیار روشن است ، گاهی به این صورت که ذکر شد می گوید ولی در خبر بعدی می گوید و عنه حالا اینکه عنه به چه کسی بر می گردد پیدا کردنش گاهی مشکل می شود و معلوم نیست که آیا به همان استاد اول یا به استاد استاد اول و یا به استاد استاد استاد اول برمی گردد که به اینها معلقات می گویند که در کافی از این قبیل معلقات زیاد است ، که البته راهش این است که استادها و شاگردها را پیدا کنیم تا معلقات معلوم شود که در تنقیح المقال و جامع الروات گفته شده که این شخص از چه کسی نقل می کند و چه کسی از او نقل می کند و از همه اینها روشن تر در معجم رجال حدیث آقای خوئی ذکر شده است که در آنجا آمده است کسی که از هارون بن مسلم نقل می کند ابراهیم بن هاشم می باشد پس عنه در این روایت به ابراهیم بن هاشم برمی گردد . سند روایت صحیح است اما در متن آن آمده است لانه ليس بطعام یعنی روزه را باطل نمی کند چون که طعام نیست ، مخالف به همین تعلیل در روایت تمسک می کند و می گوید که از اینجا معلوم می شود چیزی که روزه را باطل می کند طعام است و طعام هم به خوردنی معمولی می گویند فلذا کسی به خاک طعام نمی گوید ، حالا باید ببینیم این علت می تواند در مقابل آن ادله ای که برایتان خواندیم قیام کند و بگوئیم که مراد طعام و شراب متعارف می باشد که مبطل صوم هستند و غیر متعارف مبطل صوم نیست . در اینجا چند جواب می توانیم بدهیم اول اینکه بگوئیم ما یک ارتکاز متشرعه داریم که متشرعه ارتکازشان این طور است که هر چیزی را که انسان اختیاراً بخورد روزه اش باطل می شود چه مگس باشد و چه غیر مگس فلذا اگر مگس باطل نمی کند چون که ليس بطعام ، شاید کسی ۱۰ الی ۲۰ عدد مگس بگیرد و غذایی از آنها درست کند و بخورد خوب اگر که می گوئید ليس بطعام پس این نباید اشکالی داشته باشد و حال آنکه این طور نیست ، بنابراین معلوم می شود که ما باید توجیه کنیم و بگوئیم که در ارتکاز متشرعه این طور است که هر چیزی که انسان

أشياء تفتقر الصائم : الأكل و الشرب ، والجماع ، والارتماس فی الماء، و الكذب علی الله و علی رسوله و علی الثمه عليهم السلام « این خبر به نوعی مرسل است ولی چون مورد عمل فقهاء می باشد ضعفش جبران می شود ، در اینجا لفظ اكل و شرب آمده یعنی هر چیزی که صدق اكل و شرب کند چه متعارف و چه غیر متعارف ، فلذا اگر ما این دسته از اخبار را در کنار دسته اول قرار دهیم دیگر کسی نمی تواند ادعای انصراف کند و معلوم می شود که اكل و شرب میزان است چه از متعارف و چه از غیر متعارف فرقی نمی کند . در جواهر به سید نسبت داده شده که اگر مأكول و مشروب متعارف نباشد مبطل صوم نیست مثل خوردن نفت یا خاک ، اما ما روایاتی داریم که با توجه به آنها فرقی نیست که متعارف باشند یا غیر متعارف و این روایات در ابواب متعدد فقه ما ذکر شده اند ، مثلاً در باب ۲ از ابواب ما یمسک عنه الصائم که در ص ۴۸ از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی قرار دارد ذکر شده که : من کنس بیتاً یعنی خانه را جارو کند اگر گردو غبار داخل گلویش بشود و از آنجا به معده برود روزه اش باطل می شود با اینکه خاک از غذاهای معمولی نیست پس معلوم می شود که مأكول و مشروب اعم از متعارف و غیر متعارف می باشد. و باز ما روایاتی داریم که اگر کسی دوا در گوشش بریزد و بعد از آنجا به حلقش بیاید و بعد داخل معده اش شود روزه اش باطل می شود با اینکه دوا از خوردنیهای معمولی نیست ، این روایات در باب ۲۴ از ابواب ما یمسک عنه الصائم که در ص ۵۰ از جلد ۷ قرار دارد ذکر شده اند و در آنها از امام (ع) می پرسد کسی که روزه دار است اگر دوا به گوشش بریزد روزه اش چه طوری است؟ امام (ع) می فرماید لا بأس لا بأس ولی در بعضی از روایات دارد لا بأس مادامی که طعمش را در دهان احساس نکند پس معلوم می شود که اگر چیزی به دهان انسان برسد و از آنجا به گلو و بعد به معده وارد شود روزه را باطل می کند در حالی که این دوا از خوردنیهای متعارف نیست . در باب ۲۵ از ابواب ما یمسک عنه الصائم هم درباره کسی که سرمه می کشد روایاتی وارد شده که در بعضی از آنها آمده است که اگر سرمه کشیدن باعث شود که چیزی به دهانش بیاید و طعمی را در دهانش احساس کند و بعد همان طعم منتقل به حلق شود و از آنجا هم به معده برود روزه را باطل می کند ، پس از این روایات استفاده می شود که هر آن چیزی که از راه گلو وارد به معده شود روزه را باطل می کند اعم از اینکه مأكول و مشروب متعارف باشد یا غیر متعارف . اما یک روایتی در برابر اینها وجود دارد که صاحب جواهر هم خیلی در این روایت دقت کرده و

نمی کند ولی بعضی از جاها هم هست که به دقت عقلی هم چیزی نیست حالا مثلاً فرض کنید که لباس سفیدی که خونی شده بود را خیلی با دقت شستی و بعد آن را آب کشیدی ولی دیدی که یک رنگ قرمزی هنوز در لباس وجود دارد خوب هم شرع و هم عرف در اینجا می گویند که لباس پاک است ولی حالا فرض کنید که به عرف بگوئیم که رنگ از اعراض است و اعراض هم همیشه قائم به جوهر هستند و انتقال عرض بدون انتقال آن محلش محال است و این قرمزی که در اینجا وجود دارد از همان خون است و اصلاً نمی شود که قرمزی باشد و خون نباشد فلذا اینجا خون هم هست ، در صورتی که عرف می گویند نخیر پاک است پس این طور مسامحات از عرف قبول است و شارع هم گفته است که پاک است و حال آنکه هنوز قرمزی در لباس باقی است و با دقت عقلی نمی شود که قرمزی باشد ولی خون نباشد اما شارع چونکه عرف می گویند رنگ است و خون نیست اینجا را پذیرفته و حکم به طهارت لباس کرده ، گاهی به این صورت نیست مثلاً در مانحن فیه این طور نیست و اگر به عرف بگوئیم که یک صدم آب دهان آن رطوبتی است که از خارج داخل دهان شده قبول می کند ، خلاصه در اینجا اختلاف فتوی وجود دارد فلذا عروة و محشین می گویند پاک است ولی فقط آیت الله گلبایگانی حاشیه دارند که استهلاک دلیل بر پاک بودن نیست چون آن چیز در اینجا وجود دارد و بنده هم همین طور بیان کرده ام و بعلاوه این مطلب را از روایات هم می فهمیم مثلاً در باب چشیدن غذا روایت داریم که اگر کسی غذا را بچشد عیبی ندارد به شرطی که طعامش را بیرون بریزد که طعم آن باقی نماند از اینجا معلوم می شود که اگر یک ذره از آن غذایی که چشیده داخل برود صوم را باطل می کند ...

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

بخورد روزه اش باطل می شود چنانچه آن روایات هم این مطلب را تأیید کرده اند . خوب از لحاظ سند که گفتیم صحیح است ولی از لحاظ متن یا باید بگوئیم که مشهور از این روایت اعراض کرده اند و به آن عمل نکرده اند که همین طور است چرا که مشهور قائلند که خوردن میزان است چه طعام متعارف باشد چه غیر متعارف ، و یا اینکه باید توجیه دیگری بکنیم و آن اینکه ببینیم طعام به چه چیزی می گویند؟ طعام در لغت دو معنی دارد یکی معنی مصدری است یعنی (طعم یطعم طعاماً) و گاهی به عین خارجی مثل برنج و نان و غیره طعام می گویند ، اگر اسم عین باشد حرف مخالفین و خصم درست است و این روایت می تواند دلیل باشد اما این اسم حدث می باشد لآنکه لم یطعم و دخل قهراً : چون که این شخص مگس را نخورده بلکه دخل فی حلقه قهراً ، که در این صورت طعام به حساب نمی آید لیس بطعام لآنکه یطعم و لم يأکل و دخل فی حلقه قهراً ، بنابراین این روایت یا قابل عمل نیست و یا باید به این معنی توجیه کنیم و بگوئیم که مخالف مشهور و ارتکاز متشرعه می باشد .

سومین مطلبی که عروة درباره اکل و شرب مطرح کرده این است که بین قلیل و کثیر فرقی نمی باشد و صاحب عروة فرموده اند کعشر حبة الحنطة حتی اگر به اندازه یک دهم حبه گندم هم باشد مبطل صوم است ، و دلیل این مطلب هم قول مشهور است منتهی دو چیز را عروة در اینجا ذکر کرده و گفته که چون اینها مستهلك می باشد مبطل صوم نمی باشند که یکی نخ و سوزن و دیگری مسواک می باشد . بنده همانطور که در حاشیه هم ذکر کردم می گویم که فرقی بین مستهلك و غیر مستهلك نمی باشد زیرا اگر چیزی داخل معده شود روزه را باطل می کند دیگر کم و زیاد ندارد ، مستهلك شده به این معنی نیست که نابود شده بلکه ولو یک در هزار در آنجا وجود دارد خوب این شخص که می خواهد آب دهانش را قورت بدهد یک هزارم آب دهانش را که قورت داده آن رطوبتی است که از خارج داخل دانش شده . آیت الله خوئی اصرار دارند که کلام عروة را درست کنند فلذا فرموده اند باید ببینیم که عرف چه چیزی می گویند و عرف هم به خاطر کم بودن آن را آب خارجی به حساب نمی آورد ، خوب ما می گوئیم که عرف اهل دقت نیست ولی اگر به همان عرف بفهمانیم شارع مقدس فرموده است که اگر چیزی از خارج وارد معده شود روزه را باطل می کند قطعاً متوجه می شود و می فهمد چرا که بعضی از مسامحات عرفی هستند که اگر عرف را متوجه کنیم متوجه می شود و می فهمد ( اشکال و پاسخ استاد) : بعضی از جاها است که اگر عرف را متوجه کنیم بازهم قبول